

دانشگاه امام صادق (ع)
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

تحولات ساختاری مدل تقاضای کشورها OECD برای نفت خام

نویسنده: مهدی صادقی

استاد راهنما: حمید ناظمیان

استاد مشاور: منوچهر عسگری، محمد رضا قنبری

سال تحصیلی: اسفند ۱۳۶۹

توصیفگر: ۱۹۹ ص. : جدول ، نمودار. شماره بازیابی ۲۵ الف.

واژگان کلیدی: اقتصاد انرژی / کشورهای صنعتی / نفت / سازمان همکاری اقتصادی و توسعه / نفت /
صنعت و تجارت

چکیده :

هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که آیا مدل تقاضای کشورهای OECD طی سالها ۸۸-۱۹۶۰ دستخوش تحول شده است یا نه ؟ و اگر تحولی به وجود آمده ، شامل چه متغیرهایی و در چه جهت بوده ؟ بنابراین سعی شده با استفاده از روشهای اقتصادسنجی به پرسش مذکور پاسخ داده شود . تحقیق حاضر در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول ، الگوی مصرف انرژی در کشورهای OECD و در فصل دوم سیاستهای انرژی در کشورهای مورد نظر بررسی شده است. فصل سوم اختصاص به روند صرفه جوئی انرژی در کشورهای OECD دارد . به روند جایگزینی نفت در

کشورهای OECD به مدل‌های تقاضای نفت خام این کشورها ، به ترتیب در فصل‌های چهارم و پنجم پرداخته شده است.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد طی سال‌های ۸۸ - ۱۹۶۰ که بازار نفت شاهد تحولات و بحران‌های عمده ای بوده است ، مدل تقاضای نفت خام کشورهای مورد بحث ، از لحاظ ساختاری دستخوش تغییر و تحول گشته است. در مقطع اول دوره بررسی (۷۵ - ۱۹۶۰) ، مصرف نفت خام کشورهای OECD تابعی از قیمت‌های نفت خام و تولید ناخالص داخلی است و واردات نفت خام این کشورها ، تابعی از تولید ناخالص داخلی می باشد . در حالیکه در مقطع دوم دوره بررسی (۸۸ - ۱۹۷۰) مصرف نفت خام ، تابعی از تولید ناخالص داخلی و نسبت مصرف انرژی‌های غیر نفتی به کل مصرف انرژی است . و واردات نفت خام ، تابعی از تولید ناخالص داخلی ، نسبت مصرف انرژی‌های غیر نفتی به کل مصرف انرژی و تولید داخلی نفت خام می باشد . بنابراین قیمت نفت خام می تواند تغییرات مصرف نفت خام را در مقطع اول توضیح دهد ولی در مقطع دوم، نقش خود را به عنوان یک متغیر توضیحی از دست می‌دهد. همچنین در مقطع دوم ، نسبت مصرف انرژی های غیر نفتی به عنوان قویترین متغیر توضیحی برای مصرف نفت خام و واردات است . تولید داخلی نفت خام نیز به عنوان متغیر توضیحی برای واردات نفت خام در مدل وارد می شود . در حالیکه این متغیر نمی تواند در مقطع اول تغییرات واردات نفت خام را توضیح دهد. بدین ترتیب مصرف نفت خام که در مقطع اول نسبت به قیمت نفت خام کشش پذیر است ، در مقطع دوم ، بیکشش می شود . تولید ناخالص داخلی نیز ، در هر دو مقطع به عنوان متغیر توضیحی در مدل‌های تقاضا وارد می شود . اما تأثیر آن بر مصرف نفت خام و واردات آن در هر دو مقطع یکسان نیست. مدل‌های لگاریتمی - خطی تقاضا نیز این مسأله را تأیید می کنند. جایگزینی نفت (به وسیله سایر انرژیها) پس از بحران اول انرژی با قدرت تمام دنبال گشته است و به نظر می رسد ، این سیاست‌های جایگزینی ، توانسته مدل تقاضای این کشورها برای نفت خام را متحول سازد و به تبع آن الگوی مصرف انرژی را دگرگون کند. ظهور متغیر تولید ناخالص داخلی در

مدلهای تقاضای مربوط به هردو مقطع حاکی از آن است که رشد اقتصادی در تقاضای نفت خام موثر است ، اما ضرایب آن میزان تأثیر رشد اقتصادی بر تقاضای نفت را یکسان نشان نمی دهد. همچنین سیاستهای صرفه جویی انرژی در کاهش مصرف و واردات نفت خام این کشورها موثر است . و این امر به صورت یک تحول ساختاری در مدل تقاضای نفت خام کشورهای مزبور به خوبی مشاهده می شود.